

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال سوم، شماره نهم، زمستان ۱۳۸۹

ص ص ۹۸ - ۸۷

بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با میزان مشارکت اجتماعی در بین
دبیران زن شاغل در آموزش و پرورش شهر میاندوآب

گلشن رستمی^۱

دکتر حسین بنی‌فاطمه^۲

دکتر محمدباقر علیزاده‌اقدم^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۵

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۷/۲۴

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی با میزان مشارکت اجتماعی زنان شاغل در آموزش و پرورش شهر میاندوآب بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دبیران زن شاغل در آموزش و پرورش شهر میاندوآب تشکیل می‌دهند که تعداد آن‌ها ۱۵۰۰ نفر می‌باشد با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی و به تناسب جمعیت شاغل آن‌ها را در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه طبقه‌بندی کرده و با استفاده از تکنیک پرسشنامه محقق ساخته اطلاعات لازم گردآوری شد. سپس با استفاده از نرم افزار SPSS تنظیم و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و براساس اطلاعات به دست آمده در مجموع میزان مشارکت اجتماعی دبیران زن در حد بالایی بوده و میزان سرمایه فرهنگی آنان در حد متوسط می‌باشد که سهم دو بعد تجسم یافته و عینیت یافته در حد متوسط و سرمایه فرهنگی نهادی کمتر از حد متوسط است، در نتیجه بین دو متغیر میزان مشارکت اجتماعی و میزان سرمایه فرهنگی همبستگی مستقیم معنی‌داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی، مشارکت اجتماعی، دبیران زن، آموزش و پرورش.

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه علوم اجتماعی؛ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تبریز- ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: golshan.rostami@yahoo.com

۲. استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.

مقدمه

از مشارکت تعریف و تفسیرهای بسیاری به عمل آمده است. گستردگی مفهومی و وجود تفسیرهای متعدد یکی از ویژگی‌های این مفهوم است. مشارکت از نظر لغوی بر وزن مفاعله به معنای شرکت دوجانبه و متقابل افراد برای انجام امری می‌باشد. فرهنگ آکسفورد مشارکت را، کنش یا واقعیت شرکت داشتن و سهم داشتن معنی نموده است. اصطلاح مشارکت را آلن بیرو به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن معنی کرده است (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۷۵).

مشارکت اجتماعی در جهان به مفهوم عمومی آن به معنای سهمی شدن در منافع حاصل از یک کار جمعی با عضویت در گروه خاص و فعالیت در یک عمل گروهی، تاریخی به اندازه زندگی بشر دارد. اما مشارکت اجتماعی به مفهوم خاص آن به نوعی با مفهوم مشارکت سیاسی عجین شده است. مسئله مشارکت اجتماعی در معنای وسیع کلمه که در برگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه است در سال‌های اخیر به طور گسترده مورد بحث قرار گرفته است. مشارکت اجتماعی امروزه به عنوان مولفه اصلی توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع انسانی است و مفهوم و موضوع آن بخشی از ادبیات توسعه را تشکیل می‌دهد. براین مبنا، نگرش نوین توسعه با تأکید بر اهمیت نقش مردم در فرایند توسعه و با رویکرد توسعه درون‌زا، به مردم به عنوان عناصر فعال و خلاق در روند توسعه می‌نگرد (نصیری، ۱۳۸۹: ۱۵).

از آن جایی که کشور ما نیز با برنامه‌ریزی‌های مختلف در صدد طی کردن مراحل توسعه می‌باشد باید به مشارکت به عنوان مولفه اساسی و تفکیک‌ناپذیر توسعه نگریسته شود و اعتقاد به لزوم مشارکت فعال گروه‌های وسیع جامعه در تصمیم‌گیری سیاسی و اجتماعی مورد تأکید قرار گیرد. وجه دیگر تحقیق سرمایه فرهنگی است. در کنار سرمایه اقتصادی به عنوان مالکیت ثروت‌های مادی یا مالی که عنصر مهمی در روابط اجتماعی به خاطر تقابل بالقوه فقرا و ثروتمندان است، انواع دیگری از سرمایه وجود دارند نقشی به همان اندازه مهم در پویایی اجتماعی بازی می‌کنند. بورديو همراه با سرمایه اقتصادی انواع دیگری از سرمایه را مشخص می‌کند که نقش مهمی در شکل‌گیری طبقات، گروه‌های اجتماعی و بازتولید اجتماعی دارد. از جمله این سرمایه‌ها، سرمایه فرهنگی است. سرمایه فرهنگی همانا مجموعه‌ای از ثروت‌های نمادین است که از یک سو به معلومات کسب شده بر می‌گردد و از سوی دیگر به صورت موفقیت‌های مادی. این سرمایه به حالت عینیت یافته، میراث فرهنگی به شکل اموال (تابلوها، کتاب‌ها، واژه‌نامه‌ها و ...) جلوه می‌کند و نیز می‌تواند به حالت نهادینه شده در جامعه به صورت عناوین، مدارک تحصیلی، موفقیت در مسابقات ورودی و غیره که به استعدادها فرد عینیت می‌بخشد، ظاهر می‌شود. سرمایه فرهنگی بدون کوشش شخصی کسب نمی‌شود و مستلزم کار طولانی، مداوم و پیگیری یادگیری و فرهنگ‌پذیری است (شویره و دیگری، ۱۳۸۵: ۹۷-۹۶).

مشارکت اجتماعی تحت تأثیر عوامل زیادی است از جمله مهم‌ترین عوامل سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه است. در واقع سرمایه اجتماعی و فرهنگی علاوه بر این که همدیگر را تقویت می‌کنند، منجر به بالا رفتن مشارکت افراد یک جامعه هم می‌شوند (فرجی و دیگری، ۱۳۸۹: ۵).

بدون شک مسیر پیشرفت و توسعه یک کشور نیازمند مشارکت فرد فرد مردم یک جامعه است و این امر امکان‌پذیر نیست مگر در جوامعی که سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی بالایی دارند. مشارکتی که لازمه توسعه پایدار است مشارکت همه اقشار و گروه‌ها (اعم از زنان و مردان) است و در این میان تردیدی نیست که نقش زنان، به عنوان نیمی از پیکر جامعه، نقشی بسیار عظیم و نیرومند دارد. به خصوص زنان شاغل در آموزش و پرورش که به عنوان پیشروان تفکر و فرهنگ وظیفه دارند، افراد جامعه را از همان سنین کودکی و نوجوانی با چنین فرهنگی آشنا نمایند. با توجه به نیروی انسانی عظیم در آموزش و پرورش از یک سو و الگو بودن معلمان از لحاظ اخلاق و رفتاری برای دانش‌آموزان از سوی دیگر مشارکت اجتماعی آن‌ها می‌تواند زمینه ساز مشارکت افراد جامعه شده و نهایتاً بستر مشارکت اجتماعی را در سطح جامعه فراهم کند. با توجه به مطالب بیان شده، مسئله اساسی در این پژوهش این است که آیا افزایش میزان سرمایه فرهنگی می‌تواند منجر به افزایش میزان مشارکت اجتماعی زنان شاغل شود؟

مبانی نظری

مشارکت اجتماعی

آلموند و پاول ضمن تأکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان در خصوص اثرات پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد بیان می‌دارند. بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که شهروندان تحصیل کرده، ثروتمند و بهره‌مند از مهارت‌های حرفه‌ای احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهای مشارکت جویانه باشند. منابع و مهارت‌هایی که این گونه افراد در زندگی خصوصی به دست می‌آورند در مواردی وظیفه یا ضرورت حکم کند آن‌ها را به سهولت به مشارکت اجتماعی بکشاند. در نتیجه این بررسی‌ها، شهروندان مرفه‌تر در جامعه معمولاً در مقایسه با شهروندان کمتر مرفه، در سیاست فعال‌ترند (آلموند و دیگری، ۱۳۸۰: ۱۴۲).

اینگلهارت که نوسازی اجتماعی و فرهنگی را در غرب مطالعه نموده است افزایش مشارکت در مغرب زمین را با سه عامل ارتقاء سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی که تأکید بر نیازهای آنی داشته و بر حق ابراز نظر تأکید بیشتری می‌ورزند، مورد تبیین قرار داده است (غفاری و دیگری، ۱۳۸۴: ۷۳).

کالینز معتقد است هر فرد به هنگام قرار گرفتن در یک موقعیت اجتماعی متأثر از سه عامل است و آن‌چه در این موقعیت روی می‌دهد محصول نوعی پیوند است که میان این سه عامل و در روابط رو در روی میان افراد شکل می‌گیرد. در عین حال او تأکید می‌کند که تنها انسان‌ها هستند که کاری را انجام

می‌دهند و ساختارهای کلانی چون طبقات اجتماعی و حتی سازمان‌ها «هرگز کاری را انجام نمی‌دهند پس هرگونه تبیین علی سرانجام باید به کنش‌های افراد واقعی برسد». سه عامل مدنظر کالینز عبارتند از: ۱. درک فرصت‌های موجود در بازار کنش متقابل ۲. سرمایه فرهنگی ۳. انرژی احساسی. از نظر کالینز، موقعیت‌هایی که در آن افراد بتوانند به قدرت (ظرفیت وادار کردن دیگران به این که چه کار باید بکنند) و موقعیت (ظرفیت دریافت احترام و جاه و جلال) برسند و در نتیجه جبران هزینه‌ای باشد که قبلاً خرج کرده‌اند، موقعیت‌های بسیار انرژی بخشی هستند. افرادی که از سرمایه فرهنگی بالا برای برخورداری از احترام و اعمال تسلط بر دیگری برخوردارند، شانس بیشتری برای دریافت مثبت‌ترین نوع انرژی احساسی برآمده از کنش متقابل با دیگران (مشارکت اجتماعی) خواهند داشت (ریترز، ۱۳۷۹: ۱۷۰).

سرمایه فرهنگی

مفهوم سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو را تنها هنگامی می‌توان به خوبی درک کرد که آن را در قالب نظری وی در نظر بگیریم. محرک اصلی نظریه بوردیو، علاقه‌اش به از میان برداشتن آن چیزی است که خودش ضدیت کاذب میان عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی و یا به تعبیر او ضدیت بیهوده میان فرد و جامعه می‌انگارد. وی به جای مفاهیم سنتی جامعه‌شناسی مثل ساختار و عاملیت مفاهیم میدان و عادت‌واره را به کار می‌برد. به عقیده وی میان میدان و عادت‌واره رابطه دیالکتیکی وجود دارد و درحالی که عادت‌واره در ذهن کنشگر وجود دارد، میدان در خارج از ذهن آن‌ها جای دارد (ریترز، ۱۳۷۹: ۷۲۰). مفهوم سرمایه و مخصوصاً سرمایه فرهنگی تنها در کنار مفهوم میدان معنی می‌یابد. میدان عرصه‌ای اجتماعی است که مبارزه‌ها یا تکاپوها بر سر منابع و منافع معین و دسترسی به آن‌ها در آن صورت می‌پذیرد. میدان نظام ساخت یافته موقعیت‌هایی است که توسط افراد یا نهادها اشغال می‌شود که ماهیت آن تعریف‌کننده وضعیت برای دارندگان این موقعیت‌هاست (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۳۶). سه منبع عمده سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو عبارتند از: پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی. انباشت سرمایه فرهنگی در افراد از طریق این سه منبع سبب بروز تفاوت‌هایی در دارندگان سرمایه فرهنگی و کسانی که فاقد آن هستند، می‌شود. انواع سرمایه فرهنگی: از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی می‌تواند به سه شکل وجود داشته باشد: در حالت متجسد، یعنی به شکل خصائل دیرپای فکری و جسمی، در حالت عینیت‌یافتگی به شکل کالاهای فرهنگی (تصاویر، کتاب‌ها، لغت‌نامه‌ها، ادوات، ماشین‌آلات و غیره) که ردپا یا تحقق نظریه‌ها یا نقد این نظریه‌ها و غیره است؛ و بالاخره، در حالت نهادینه شده، یعنی شکلی از عینیت‌یافتگی، که باید حسابش را جدا کرد، زیرا خواص اصلی خود را یکسره به سرمایه فرهنگی، که بنا به فرض ضمانت‌کننده آن است، واگذار می‌کند (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت اجتماعی دبیران زن رابطه وجود دارد.

۲. بین میزان سرمایه فرهنگی تجسم یافته و میزان مشارکت اجتماعی دبیران زن رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته و میزان مشارکت اجتماعی دبیران زن رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان سرمایه فرهنگی نهادی و میزان مشارکت اجتماعی دبیران زن رابطه وجود دارد.

ابزار و روش

تحقیق حاضر از لحاظ محتوای کاری از نوع پیمایش و در میان انواع پژوهش‌های پیمایشی از نوع همبستگی است. از نظر معیار اجرایی، تحقیقی کاربردی و چون در یک مقطع زمانی معین صورت گرفته یک مطالعه مقطعی بوده و از آنجا که روی یک جمعیت نمونه معرف انجام می‌گیرد تا قدرت تعمیم‌پذیری داده‌ها فراهم شود یک تحقیق پهنانگر می‌باشد.

این پژوهش را کلیه دبیران زن شاغل در آموزش و پرورش شهر میاندوآب تشکیل می‌دهند که تعداد آن‌ها ۱۵۰۰ نفر می‌باشد.

پژوهش حاضر بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران ۳۰۶ نفر برآورد شده است.

جدول شماره (۱): توصیف نمونه

مقاطع	تعداد شاغلین	تعداد نمونه
ابتدایی	۷۵۰	۱۵۳
راهنمایی	۴۵۰	۹۲
متوسطه	۳۰۰	۶۱

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی استفاده شد با توجه به این که زنان در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه مشغول به کار هستند، به تناسب جمعیت شاغل در هر کدام از مقاطع نمونه‌گیری انجام شد.

برای گردآوری داده‌ها به صورت پیمایشی از ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که از نظر نوع سؤالات به صورت بسته پاسخ طراحی گردیده است. برای سؤالات پرسشنامه از طیف لیکرت استفاده گردید.

در این پژوهش برای تأمین اعتبار پژوهش از دو روش ارجاع پرسشنامه به اساتید و از تحلیل عاملی به منظور تعیین اعتبار سؤالات و تفکیک ابعاد سرمایه فرهنگی استفاده شده است. همچنین متغیرهای پیش‌بین و ملاک مطابق جدول شماره (۲) از پایایی مناسبی برخوردار بودند. پایایی سؤالات پرسشنامه بر اساس آزمون آلفای کرونباخ تعیین شد مقدار آلفا در دامنه صفر و یک است به طوری که از این ضریب به پایداری درونی گویه‌ها پی برده می‌شود.

جدول شماره (۲): پایایی گویه‌های پرسشنامه

متغیرها	مقدار پایایی محاسبه شده	تعداد سوالات یا گویه‌ها
سرمایه فرهنگی	۰/۹۰۱۶	۱۴
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	۰/۸۶۲	۱۰
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۰/۸۰۹۰	۴
مشارکت اجتماعی	۰/۸۶۱۳	۲۶

پردازش داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss انجام شده است. برای خلاصه کردن داده‌ها و توصیف ویژگی‌های نمونه آماری و پاسخ‌های آن‌ها با توجه به سطوح اندازه‌گیری متغیرها از روش‌های توصیفی (درصد فراوانی و توزیع پراکندگی) استفاده شد و برای آزمون فرضیه‌ها با توجه به سطوح اندازه‌گیری متغیرها از آزمون‌هایی چون F و r پیرسون استفاده گردید و برای تبیین متغیر ملاک (مشارکت اجتماعی) با توجه به متغیرهای پیش‌بین تحقیق از روش‌های پیشرفته‌ای چون رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

وضعیت تأهل: براساس نتایج به دست آمده در این پژوهش ۸۴/۶ درصد از دبیران زن مورد مطالعه در این پژوهش متأهل و ۱۴/۴ درصد مجرد بوده‌اند و تنها ۱ درصد از آن‌ها مطلقه بودند.

سطح تحصیلات: براساس نتایج به دست آمده در این پژوهش ۲۴/۶ درصد از دبیران زن مورد مطالعه دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۶۸/۲ درصد لیسانس و ۷/۲ درصد از دبیران نیز دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر می‌باشند.

رشته تحصیلی: بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش ۲۵/۸ درصد از دبیران زن مورد مطالعه در این تحقیق رشته تحصیلی شان علوم پایه، و ۵۸/۲ درصد علوم انسانی، ۱۲/۷ درصد فنی و مهندسی، ۳/۳ درصد نیز از رشته هنر بوده‌اند.

مقطع تدریس: بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش ۵۰ درصد از دبیران زن مورد مطالعه در مقطع ابتدایی، ۳۰/۱ درصد راهنمایی و ۱۹/۹ درصد در مقطع متوسطه تدریس می‌کردند.

سن دبیران: متوسط سن دبیران زن برابر $38/38 \pm 7/04$ محاسبه گردیده که حداقل سن ۲۱ و حداکثر ۵۵ می‌باشد و ضریب کجی (چولگی) $Sk=0/1$ است که بیانگر مثبت بودن توزیع داده‌هاست. به طوری که ۲۵٪ پاسخگویان میزان سن‌شان کمتر از ۳۳ سال، ۲۵٪ بین ۳۳-۳۷، ۳۳-۳۷، ۲۵٪ بین ۳۷-۴۴ و ۲۵٪ از دبیران نیز سن‌شان بیش از ۴۴ سال بوده است.

۱/۳ درصد از دبیران زن مورد مطالعه فاقد سرمایه‌نهادی بودند، ۸/۵ درصد از دبیران سرمایه‌نهادی‌شان در حد خیلی پایین، ۱۷ درصد پایین، ۲۳/۹ درصد متوسط، ۲۵/۵ درصد بالا و در ۲۳/۹ درصد از پاسخگویان نیز سرمایه‌نهادی در حد بالایی بوده است.

براساس اطلاعات جدول شماره (۳) متوسط میزان مشارکت اجتماعی دبیران زن مورد مطالعه برابر $۶۳/۱۲ \pm ۱۳/۴۷$ ، سرمایه فرهنگی $۴۸/۸۰ \pm ۱۷/۱۱$ ، سرمایه فرهنگی تجسم یافته $۵۰/۹۹ \pm ۱۷/۷۱$ و سرمایه فرهنگی عینیت یافته $۵۱ \pm ۲۲/۲۵$ به دست آمده است که توضیحات آن در جدول ذیل گزارش شده است.

جدول شماره (۳): توزیع پراکندگی میزان متغیرهای ملاک و پیش‌بین

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	ضریب کجی	حداقل	حداکثر
مشارکت اجتماعی	۳۰۶	۶۳/۱۲	۱۳/۴۷	۱۸۱/۴۴	-۰/۶۰۵	۲۰	۱۰۰
سرمایه فرهنگی	۳۰۶	۴۸/۸۰	۱۷/۱۱	۲۹۲/۸۹	۰/۱۸۳	۱۳/۳۳	۹۸/۶۷
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	۳۰۶	۵۰/۹۹	۱۷/۷۱	۳۱۳/۶۴	۰/۳۵۵	۱۴	۱۰۰
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۳۰۶	۵۱	۲۲/۲۵	۴۹۵/۰۶	۰/۰۶۱	۱۰	۱۰۰

یافته‌های استنباطی

فرضیه اصلی: بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت اجتماعی زنان شاغل در اداره آموزش پرورش شهر میاندوآب رابطه وجود دارد.

باتوجه به این که میزان مشارکت اجتماعی و میزان سرمایه فرهنگی هر دو در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده‌اند، بنابراین برای سنجش رابطه بین آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. مقدار ۲ پیرسون برابر $۰/۱۸۸$ و سطح معنی‌داری $۰/۰۰۱$ به دست آمده است. شدت همبستگی بین دو متغیر فوق در حد ضعیف می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که بین دو متغیر میزان مشارکت اجتماعی و سرمایه فرهنگی همبستگی مستقیم معنی‌داری وجود دارد و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه اول: بین میزان سرمایه فرهنگی تجسم یافته و میزان مشارکت اجتماعی دبیران زن رابطه وجود دارد.

با توجه به این که میزان مشارکت اجتماعی و میزان سرمایه فرهنگی تجسم یافته هر دو در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده‌اند، بنابراین برای سنجش رابطه بین آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. مقدار ۲ پیرسون برابر $۰/۳۸۴$ و سطح معنی‌داری $۰/۰۰۰$ به دست آمده است. شدت همبستگی بین دو متغیر فوق در حد ضعیف می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که بین دو متغیر مشارکت اجتماعی و میزان سرمایه فرهنگی تجسم یافته همبستگی مستقیم معنی‌داری وجود دارد و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: بین میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته و میزان مشارکت اجتماعی دبیران زن رابطه وجود دارد.

باتوجه به این که میزان مشارکت اجتماعی و سرمایه فرهنگی عینیت یافته هر دو در مقیاس فاصله‌ای سنجیده شده‌اند، بنابراین برای سنجش رابطه بین آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. مقدار ۲ پیرسون برابر ۰/۲۹ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به دست آمده است. شدت همبستگی بین دو متغیر فوق در حد ضعیف می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که بین دو متغیر میزان مشارکت اجتماعی و میزان سرمایه فرهنگی عینیت یافته همبستگی مستقیم معنی‌داری وجود دارد و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

جدول شماره (۴): نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با مشارکت اجتماعی

تأیید یا رد فرضیه	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	تعداد	همبستگی پیرسون
تأیید	۰/۰۰۱	۰/۱۸۸	۳۰۶	مشارکت اجتماعی و سرمایه فرهنگی
تأیید	۰/۰۰۰	۰/۳۸۴	۳۰۶	مشارکت اجتماعی و سرمایه فرهنگی تجسم یافته
تأیید	۰/۰۰۰	۰/۲۹۹	۳۰۶	مشارکت اجتماعی و سرمایه فرهنگی عینیت یافته

فرضیه سوم: بین میزان سرمایه فرهنگی نهادی و میزان مشارکت اجتماعی دبیران زن رابطه وجود دارد. با توجه به این که میزان مشارکت اجتماعی در مقیاس فاصله‌ای و میزان سرمایه فرهنگی نهادی در مقیاس رتبه‌ای سنجیده شده‌اند، بنابراین برای سنجش رابطه بین آن‌ها از آزمون ناپارامتریک ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. مقدار ۲ اسپیرمن برابر ۰/۱۲۸ و سطح معنی‌داری ۰/۰۲ به دست آمده است. شدت همبستگی بین دو متغیر فوق در حد خیلی ضعیف می‌باشد در نتیجه می‌توان گفت که بین دو متغیر میزان مشارکت اجتماعی و میزان سرمایه فرهنگی نهادی همبستگی مستقیم معنی‌داری وجود دارد و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

جدول شماره (۵): نتیجه آزمون همبستگی اسپیرمن بین سرمایه فرهنگی نهادی و مشارکت اجتماعی

تأیید یا رد فرضیه	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی اسپیرمن	تعداد	همبستگی پیرسون
تأیید	۰/۰۲۵	۰/۱۲۸	۳۰۶	مشارکت اجتماعی و سرمایه فرهنگی نهادی

تبیین مشارکت اجتماعی دبیران زن براساس متغیرهای سرمایه فرهنگی و ابعاد سه گانه آن: در پژوهش حاضر با استفاده از رگرسیون چند متغیره، به تبیین واریانس متغیر ملاک از طریق برآورد سهم هر متغیر به منظور تبیین میزان مشارکت اجتماعی بر اساس متغیرهای پیش‌بین از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده کرده است. نتایج تحلیل رگرسیونی عوامل تبیین‌کننده مشارکت اجتماعی در بین دبیران زن نشان می‌دهد که از میان متغیرهای وارد شده در معادله، متغیرهای (سرمایه فرهنگی تجسم یافته، و سرمایه فرهنگی عینیت یافته) در مدل نهایی مانده‌اند که این سه متغیر ۱۶ درصد از واریانس متغیر ملاک را

تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل واریانس در جدول شماره (۶) نشان می‌دهد که رابطه بین متغیرهای پیش‌بین وملاک ضمن این که معنی‌دار بوده خطی هم بوده است. نتایج حاصله از تحلیل رگرسیونی چندگانه متغیرهای موجود در مدل را می‌توان به صورت استاندارد شده در معادله زیر نشان داد:

$$Y = \beta_1.z_1 + \beta_2.z_2 + \dots + \beta_k.z_k + e$$

جدول شماره (۶): ضریب همبستگی چندگانه برای تبیین میزان مشارکت اجتماعی

شکل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین اصلاح شده	اشتباه معیار	دوربین
۱	۰/۴۰۴	۰/۱۶۳	۰/۱۵۸	۱۲/۳۷	۱/۷۲

جدول شماره (۷): تحلیل واریانس برای آزمون معنی‌داری شکل رگرسیونی

شکل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۹۰۳۹/۱۲۲	۲	۴۵۱۹/۵۶۱	۲۹/۵۳۰	۰/۰۰۰
باقی‌مانده	۴۶۳۷۴/۷۸۸	۳۰۳	۱۵۳/۰۵۲		
کل	۵۵۴۱۳/۹۱۰	۳۰۵			

در مجموع طبق اطلاعات جدول شماره (۷) و با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد نشده ملاحظه می‌شود که مقدار ثابت (α) برابر ۴۶/۵۶، سرمایه فرهنگی تجسم یافته با بتای $\beta = ۰/۲۳۸$ ، و سرمایه فرهنگی عینیت یافته با بتای $\beta = ۰/۰۸۷$ در تبیین میزان مشارکت اجتماعی سهم معنی‌داری دارند. در نهایت با حذف مقدار ثابت آلفا (α) از طریق استاندارد کردن مقادیر متغیرهای پیش‌بین ملاحظه می‌شود که به ترتیب سرمایه فرهنگی تجسم یافته با بتای $\beta = ۰/۳۱۳$ و سرمایه فرهنگی عینیت یافته با بتای $\beta = ۰/۱۴۳$ بیشترین تأثیر مثبت را در پیش‌بینی مشارکت اجتماعی دبیران زن مورد مطالعه دارند.

جدول شماره (۸): ضرایب متغیرهای پیش‌بین باقی‌مانده در شکل رگرسیونی به روش گام به گام

سطح معنی‌داری	t	ضرایب		ترتیب ورود متغیرهای پیش‌بین در شکل
		ضرایب استاندارد شده	ضرایب خام	
		Beta	Std.Error	B
۰/۰۰۰	۲۰/۵۳		۲/۲۶۸	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۵/۱۵۸	۰/۳۱۳	۰/۰۴۶	سرمایه فرهنگی تجسم یافته
۰/۰۱۹	۲/۳۵۴	۰/۱۴۳	۰/۰۳۷	سرمایه فرهنگی عینیت یافته

بحث و نتایج

مشارکت اجتماعی را می‌توان فرآیند سازمان‌یافته‌ای دانست که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص، که منجر به سهیم شدن در منابع قدرت می‌گردد، تعریف کرد. نمود این وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی هستند (ازکیا و دیگری، ۱۳۸۰: ۱۶). مشارکت اجتماعی تحت تاثیر عوامل گوناگون در سطوح مختلف می‌باشد. در این تحقیق مشارکت اجتماعی دبیران زن با عامل سرمایه فرهنگی آنان در سطح خرد مورد بررسی قرار گرفت. اگرچه وجود مشارکت به لحاظ انتزاعی و نظری بسیار مهم و اساسی است ولی عملی کردن و به اجرا در آوردن مشارکت به سادگی میسر نیست. شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه، نوع دید و نگاه مسئولان و برنامه‌ریزان، خلیات و روحیات مردم، تجربیات و واقعیات گذشته جامعه بر پذیرش یا عدم پذیرش یا نحوه اجرای مشارکت موثرند. بر این اساس مشارکت (متغیر ملاک) به عنوان کنش اجتماعی از منظر نظریه‌های آلموند و پاول، کالینز و اینگلههارت بررسی شد. بر ای بررسی متغیر (پیش‌بین) سرمایه فرهنگی که یکی از اجزای سرمایه اجتماعی است تئوری سرمایه فرهنگی پیر بورديو مورد استفاده قرار گرفته است، بورديو سرمایه فرهنگی را به سه بعد سرمایه فرهنگی تجسد یافته، عینیت یافته و نهادی تقسیم می‌کند. نتایج آزمون هر سه فرضیه که رابطه ابعاد سرمایه فرهنگی با مشارکت اجتماعی را سنجیده حاکی از همبستگی مستقیم و معنی‌دار بین متغیرها می‌باشد یکی از شاخص‌های سرمایه فرهنگی تحصیلات افراد است، هرچه تحصیلات افراد و منزلت اجتماعی آن‌ها بالاتر باشد، میزان مشارکت آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. این یافته‌ها با نظرات آلموند و پاول و اینگلههارت که معتقدند هر چه تحصیلات افراد بالا باشد گرایش آن‌ها به مشارکت بیشتر خواهد بود، منطبق است. هم‌چنین این نتایج همسو با نتایج به دست آمده از تحقیقات خدامرادی (۱۳۸۲)، صمدیان (۱۳۸۶) می‌باشد. از نظر کالینز، افرادی که از سرمایه‌ی فرهنگی بالا برای برخورداری از احترام و اعمال تسلط بر دیگری برخوردارند، شانس بیشتری برای دریافت مثبت‌ترین نوع انرژی احساسی برآمده از کنش متقابل با دیگران (مشارکت اجتماعی) خواهند داشت. به عقیده بورديو سرمایه فرهنگی از طریق انباشت سرمایه ارزش‌ها و نموده‌های فرهنگی، صلاحیت‌های تحصیلی و تمایلات و عادات دیرینی که در فرایند جامعه‌پذیری فرد وجود دارد، بر مشارکت تأثیرگذار است. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای سنجش رابطه بین سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت اجتماعی، نشان می‌دهد بین این دو متغیر همبستگی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و این نشان از تأثیرپذیری میزان مشارکت از سرمایه فرهنگی می‌باشد. افزایش سرمایه فرهنگی بر دانه‌های فرهنگی افراد تأثیر گذاشته و سبب فعال شدن شبکه‌های اجتماعی می‌شود که تقویت عضویت‌های فرد را در پی خواهد داشت. هرچه در فرایند جامعه‌پذیری ارزش‌های مشارکتی در فرد تقویت شود، مشارکت او نیز در جامعه تقویت خواهد شد. نتایج به دست آمده همسو با یافته‌های خواجه‌نوری (۱۳۸۵)، فرجی (۱۳۸۹) است.

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق اگر خانواده تلاش کند تا امکاناتی را فراهم نماید که فرد در موقعیت بهتری قرار گیرد تا از پیرامون خود شناخت بیشتری پیدا کند. و از فرصت‌های موجود در جامعه آگاه شود، این شناخت و آگاهی به فرد کمک می‌کند تا حضور بیشتری در اجتماع داشته و به این ترتیب در موقعیت‌های مختلف از جمله سازمان‌های دولتی مثل آموزش و پرورش فعالیت بیشتری داشته باشد. بالا رفتن پایگاه اجتماعی نیز به افزایش مشارکت منجر خواهد شد. افزایش پایگاه اجتماعی با فراهم آوردن امکانات مالی بیشتر برای فرد امکان بیشتری را برای فعالیت‌های داوطلبانه به وجود می‌آورد. به این ترتیب هرچه سرمایه فرهنگی افراد بیشتر باشد، میزان مشارکت آن‌ها نیز بیشتر خواهد بود.

با توجه به نتیجه پژوهش و اهمیت سرمایه فرهنگی در جوامع که یکی از مهم‌ترین سرمایه‌ها در جهت توسعه به شمار می‌رود، باید هم از لحاظ نظری و هم عملی، بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد. و این را می‌توان در سطح دانشگاه‌ها با اضافه کردن فصلی به دروس دانشجویان ارائه کرد. در سطح مدارس نیز به خصوص در مقطع متوسطه، باید به آموزش معلمان درباره چستی سرمایه فرهنگی و اهمیت و فوائد آن پرداخته شود تا آن‌ها نیز متقابلاً توانایی ارائه آن برای دانش‌آموزان و آشنایی هر چه بیشتر آن‌ها را فراهم کنند.

منابع

- ازکیا، م؛ و دیگری. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستائیان در نواحی روستایی شهر کاشان. *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*. شماره ۳۶، سال نهم.
- آلموند، ج؛ و دیگری. (۱۳۸۰). مشارکت و حضور سیاسی شهروندان. ترجمه: ع، طیب. *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*. تهران، شماره ۱۶۳-۱۶۴.
- بوردیو، پ. (۱۳۸۴). *شکل‌های سرمایه، در سرمایه اجتماعی: اعتماد؛ دموکراسی و توسعه*. ترجمه: افشین خاکباز و دیگری. تهران: نشر شیرازه.
- بیرو، آ. (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه: ب، ساروخانی. تهران: نشر کیهان.
- جنکینز، ر. (۱۳۸۵). *پیر بوردیو*. ترجمه: ل، جوافشانی و دیگری. تهران: نشر نی.
- خدامرادی، ح. (۱۳۸۲). *عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان تکنوکرات*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- خواجه‌نوری، ب. (۱۳۸۵). *بررسی رابطه مؤلفه‌های جهانی شده و مشارکت اجتماعی زنان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۹). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. ترجمه: م، ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- شویبه، ک؛ و دیگری. (۱۳۸۵). *واژگان بوردیو*. ترجمه: م، کتبی. تهران: نشر نی.
- صمدیان، ف. (۱۳۸۶). *بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه کرمان.
- غفاری، غ؛ و دیگری. (۱۳۸۴). *تبیین مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان علوم پزشکی تهران*. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۶، شماره ۱.
- فرجی، ل؛ و دیگری. (۱۳۸۹). *بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر میزان مشارکت زنان در سازمان‌های غیردولتی*. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. ۱۳۸۹، دوره ۶، شماره ۴، ص ۳۱-۲۴.
- نصیری، م. (۱۳۸۹). *بررسی میزان مشارکت اجتماعی معلمان دبیرستان‌های شهر تکاب و عوامل اجتماعی مرتبط با آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.